شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۳شنبه

سال هفدهم
۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۷
شماره ۴۷۵۲

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه
فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز
شهرداری مشهد
مدیرمسئول
سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر
سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵
نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک
۳۰۰۰۷۲۸۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۸:۱۴	غروب آفتاب ۱۸:۲۲:۲۳	اذان مغرب ۱۸:۴۲:۰۵	
نیمه شب شرعی ۲۲:۴۰:۲۲	اذان صبح فردا ۰۲:۵۷:۰۰	طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۳:۰۵	

امام علی(ع):

با دروغ‌گو مشورت نکن؛ چون دروغ‌گو، مانند سراب، دور را در نظرت نزدیک نشان می‌دهد و نزدیک را دور.

غررالحکم: ۱۰۳۵۱

۱۵ اردیبهشت

تقویم تاریخ

روز پانزدهم اردیبهشت، از سوی رهبر شهید انقلاب، به عنوان روز بزرگداشت **شیخ صدوق** نام‌گذاری شده است. او ملقب به «رئیس المحدثین» از مشهورترین علمای شیعه است.

پرچم ایران امام رضا(ع)

پرچم‌داری پیش از تولد

آنچه می خوانید روایتی است درباره پویش مردمی «پرچم زمین نمی ماند» که در میانه های جنگ تحمیلی سوم به راه افتاد و تا همین لحظه برقرار است.

فاطمه دانشور|ما دو نفریم. البته که شما فقط یک نفر را می بینید. نفر دوم هنوز پا به این جهان نگذاشته است. ما رفتیم پای پرچم که آغاز سفر طفلم به جهان، با پرچم داری کشورش باشد. دخترم احتمالا از کم سن ترین پرچم دارهای این شب و روزهاست. و من هر روز دم گوشش می‌گویم نگران این روزها نباش. ما «ایستاده ایم». ما سقف آرزوهایمان را کوتاه تر می‌کنیم، بیشتر از قبل مراعاتِ تمام داشته های ایران را می‌کنیم، پس اندازهایمان را با هم تقسیم می‌کنیم تا آثار خرابی های جنگ را از بین ببریم و ایران را قوی تر از قبل به نسل شما و نسل های بعد شما بسپاریم.

بی‌درنگ‌های روزهای جنگ

دیوانه یا عاقل

امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

در سال ۲۰۱۷، ۲۷ روان پزشک و متخصص سلامت روان کتابی با عنوان «پرونده خطرناک دونالد ترامپ» منتشر کردند و در آن، جمله ای نوشتند: «ترامپ اکنون قدرتمندترین رئیس دولت در جهان و یکی از عجول ترین، متکبرترین، نادان ترین، بی نظم ترین، آشفته ترین، پوچ گراترین، خودخواه ترین، خودبزرگ بین ترین و خودخواه ترین افراد است.» شاید خودشان تصور می‌کردند با این عبارات سرنوشت دنیا عوض شود، اما چنین نشد و ترامپ بار دیگر رئیس دولت شد.

این نظر کارشناسی و نظرهای کارشناسی دیگر را بگذارید کنار نظرسنجی فاکس نیوز، که بر اساس آن ۵۵ درصد از آمریکایی ها معتقدند ترامپ سلامت روانی لازم را برای ریاست جمهوری ندارد.

شنیدن این چیزها دل آدم را خنک می‌کند، اما اگر تصور کنیم که جنگ ما با چنین شخصی است، خودمان را گول زده ایم. اگر خیال کنیم طرف مقابل ما یک پیرمرد دمدمی ابله تک رو است که برای رهایی از تبعات پرونده اخلاقی اش جنگ را به ما تحمیل کرده، در دام یک ساده سازی خطرناک افتاده ایم.

میدان های قدرت و سیاست بسیار پیچیده تر از این چیزها هستند. تصمیم هایی که به خصوص در لحظات بحرانی در این میدان ها گرفته می شوند حاصل ضربی از محاسبات اقتصادی و ملاحظات امنیتی و هماهنگی های دیپلماتیک هستند.

احمق فرض کردن دشمن بزرگ ترین خطایی است که در جنگ می توان مرتکب شد. درست است که ترامپ بی نظم و پریشان اندیش و پرهیاهوست، اما به این معنی نیست که دستگاه امنیتی و نظامی آمریکا بی برنامه عمل می‌کند. اتفاقا پشت بسیاری از رفتارهای مضحک ترامپ نیز محاسبه و طراحی است. طراحی و محاسبه ای که دقیقا ذهن ما را هدف گرفته است.

اول شخص

ققنوس رمضان

درباره نسخه ارتقا داده شده F-5 در جنگ تحمیلی سوم که با شجاعت خلبانان ایرانی دشمن را غافل گیر کرد

محمد عنبرسوز
روزنامه نگار

در روزهایی که بسیاری تصور می‌کردند ناوگان قدیمی نیروی هوایی ایران، به واسطه بیش از نیم قرن تحریم، دیگر توان حضور در نبردهای مدرن را ندارد، ناگهان نام جنگنده ای متعلق به دهه ۶۰ میلادی دوباره در رسانه های آمریکایی مطرح شد؛ جنگنده ای که قرار بود سال ها پیش به موزه برود اما حالا به یکی از غافل گیری های بزرگ جنگ تحمیلی سوم تبدیل شده است. به نوشته رسانه هایی مانند نیویورک تایمز و NBC، دو F-5 ایرانی در نخستین روزهای جنگ تحمیلی سوم، با عبور از لایه های پدافندی آمریکا در کویت و پرواز در ارتفاعی بسیار پایین، موفق شدند یک پایگاه نظامی آمریکا را هدف قرار دهند و سالم به پایگاه ششم شکاری بوشهر بازگردند. عملیاتی که به اعتراف تحلیلگران غربی، نشان داد ارتقا دادن همان جنگنده های قدیمی، تاکتیک نظامی کارآمد و مهارت و شجاعت خلبانان ایرانی پیشرفته ترین سامانه های نظامی جهان را زمین‌گیر کرده است. روایت رسانه های خارجی از این عملیات، بیش از هر چیز، بر این نکته دایر بود که آمریکایی ها هرگز تصور نمی‌کردند جنگنده ای که نزدیک به ۷۰ سال سن دارد، به دست متخصصان کشوری تحت شدیدترین تحریم های نظامی، بتواند در برابر پیچیده ترین شبکه های راداری، چنین حماسه ای را خلق کند و به مواضع آمریکایی هجوم ببرد که خودش در زمان رژیم قبلی آن ها را به ایران داده بود.

از آمریکا تا آسمان ایران

هواپیماهای F-5 در دهه ۴۰ شمسی وارد ایران شدند. در آن زمان، این جنگنده سبک آمریکایی یکی از مدرن ترین گزینه های نیروی هوایی ایران به حساب می آمد؛ جنگنده ای چابک، سریع و مناسب عملیات های تهاجمی و پشتیبانی. F-5 ها در کنار تعداد قابل توجهی فانتوم، لایه میانی نیروی هوایی ایران را تشکیل می دادند. جنگنده هایی که قابلیت پشتیبانی و عملیات در عمق را داشتند. در مقابل، لایه برتر آسمان ایران در اختیار F-14 بود که مأموریت رهگیری و دفاع هوایی را بر عهده داشت.

جنگنده ای که قرار نبود زنده بماند

پس از انقلاب اسلامی و با آغاز تحریم های نظامی، تصور غالب این بود که عمر عملیاتی جنگنده های آمریکایی ایران به پایان رسیده است. نه قطعه ای وجود داشت، نه پشتیبانی فنی و نه امکان نوسازی رسمی. اما دقیقا از همین نقطه، یکی از مهم ترین پروژه های مهندسی نظامی ایران آغاز شد. ایران به جای کنار گذاشتن F-5، تصمیم گرفت آن را بازسازی کند؛ نه صرفا در حد تعمیر و سرپا نگه داشتن، بلکه در سطح ارتقا و بازتعریف یک پلتفرم رزمی قدیمی. مهندسان ایرانی طی سال ها توانستند بخش مهمی از قطعات، سامانه ها و تجهیزات این جنگنده را بومی سازی کنند؛ کاری که بسیاری از تحلیلگران نظامی آن را فراتر از نگهداری می دانند. در واقع، ماجرا فقط روشن کردن دوباره یک جنگنده خاک خورده نبود؛ بلکه تبدیل یک هواپیمای متعلق به نیم قرن قبل به جنگنده ای قابل استفاده در نبردهای امروزی بود.

وقتی نوسازی متوقف شد، ایران ادامه داد

در سال های پایانی جنگ سرد، بسیاری از کشورهای هم پیمان آمریکا و حتی شوروی، برنامه نوسازی ناوگان F-5 را متوقف کردند. هزینه بالا و ورود جنگنده های نسل جدید باعث شد این پروژه ها عملا کنار گذاشته شوند. اما ایران مسیر متفاوتی را در پیش گرفت.

در شرایطی که شدیدترین تحریم های نظامی اعمال می شد، پروژه ارتقای F-5 در داخل کشور ادامه پیدا کرد؛ پروژه ای بزرگ که الگویی برای تولید جنگنده هایی مانند صاعقه و کوثر هم واقع شد و به نتیجه رسید. جنگنده هایی که نشان می دهند ایران به مرحله ای از دانش فنی رسیده که می تواند یک پلتفرم قدیمی را به ساختاری تازه تبدیل کند.

جنگ و یک غافل گیری بزرگ

جنگ تحمیلی سوم شاید یکی از مهم ترین لحظاتی بود که دوباره نام F-5 را سر زبان ها انداخت. در شرایطی که بسیاری تصور می‌کردند جنگنده ای متعلق به حدود ۵۰ سال پیش دیگر شانسی در میدان نبرد مدرن ندارد، گزارش ها از عملیات های موفق این جنگنده ها توجه تحلیلگران را جلب کرد. حتی برخی رسانه های بین المللی، به عبور جنگنده های F-5 ایرانی از لایه های پدافندی و بمباران اهداف اشاره کردند؛ موضوعی که برای بسیاری غیرمنتظره بود.

قهرمانان آسمان

در کنار مهندسان، نقش خلبان های ایرانی هم در این ماجرا انکارناپذیر است. پرواز با جنگنده ای قدیمی در فضایی که دشمن از پیشرفته ترین سامانه های راداری و تجهیزات مدرن استفاده می‌کند، فقط مهارت نمی خواهد؛ شجاعت و ریسک پذیری بالایی هم می طلبد. در روزهای ابتدایی جنگ، همین خلبان ها با عملیات های جسورانه خود توانستند بخشی از معادلات نبرد را تغییر دهند؛ عملیاتی که نشان داد هنوز هم عامل انسانی می تواند در کنار فناوری، تعیین‌کننده باشد.

سکوتی که بیشتر از تبلیغ دیده شد

نکته قابل توجه این بود که در روزهای ابتدایی جنگ، نیروهای مسلح ایران تقریبا هیچ اطلاع رسانی رسمی و مفصلی درباره این عملیات ها انجام ندادند. همین سکوت که تبعا دلایل امنیتی دارد، باعث شد بعدها وقتی رسانه های معتبر خارجی از جزئیات برخی مأموریت ها نوشتند، توجه ها بیشتر به سمت توانایی های پنهان و کمتر دیده شده ایران جلب شود.

از نگاه بسیاری از تحلیلگران، این اتفاق نشان داد ایران در نبردهای نابرابر، صرفا روی تجهیزات متعارف حساب باز نمی‌کند؛ بلکه ترکیبی از بومی سازی، تجربه عملیاتی و تاکتیک های غیرمنتظره را وارد میدان می‌کند.

خراسانیات

سیاست گذاری های نادرست، حتی روستاییان را هم برای داشتن نان، به نانوایی و به شبکه توزیع آرد، وابسته کرده است

فصل بازگشت به کشت گندم در توس

حسن احمدی‌فرد
روزنامه‌نگار

جنگ، نکات فراوانی را به ما آموخت، یکی از مهم ترینشان، قطع وابستگی به مرکز بود. هر شبکه ای که وابسته به مرکزی باشد، بالقوه یک نقطه ضعف است و در جنگ می تواند، نقطه آسیب هم باشد. جنگ به ما یادآوری کرد که همه شهرها و روستاها، برای تاب آوری بیشتر، تا آنجاکه می شود، باید خودبسنده باشند.

خودبسندگی البته اصلی قدیمی است که در گذر از سنت به مدرنیته، کم و بیش، مورد غفلت قرار گرفته است تا آنجا که مثلا امروز در کمتر روستایی، پخت نان در تنورهای خانگی متداول است. حتی در همین خراسان که سرزمین آفتاب و گندم است، دیگر کمتر روستایی را می توان پیدا کرد که هنوز اهالی آن روستا، در خانه ها، تنوری داشته باشند و گاه و بیگاه از آن تنور دودی بلند بشود.

گندم، محصولی است که تمدن ایران زمین آن را به بشر هدیه کرده است. ایرانی ها نخستین کسانی بودند که در روزگاران باستان، توانستند کشت این دانه خوراکی را به انجام برسانند. حتی همین امروزه روزهم، کشت گندم در فلات ایران زمین، شیوه متفاوتی دارد که میراث پدران و مادران ماست. آن ها گندم را نه در آغاز بهار، در فصل باران های بارآور و آفتاب های جان بخش، بلکه در شروع فصل سرما، در مهر و آبان می‌کارند. گندم ها که جوانه بزند و مختصری برگ و بار بگیرد، نخستین برف های زمستانی، زمین را می پوشاند تا بوته های گندم یخ بزنند و بپوسند. در تمام زمستان اما ریشه گندم در زیر زمین های یخ بسته زنده است و توان خود را برای نوزایی، ذخیره می‌کند. آفتاب های بهار که برف ها را آب کند، گندم ها دوباره جوانه می زنند و خیلی زود به برگ و بار می نشینند. یک ماه بعد، مزارع گندم یک دست، سبز و خرم شده است و آن قدر ها طولی نمی‌کشد تا سروکله خوشه ها هم پیدا بشود. سرانجام، آفتاب های داغ آخر بهار، خوشه ها را خشک می‌کند تا گندم، دختر زمین، حاصل آمده باشد.

در همه هزاره های پیشین، پدران و مادران ما، به همین شیوه، نانشان را فراهم می آورده اند، آن هم چه نانی. کشت گندم، در همه این هزاره ها، بیشتر از آنکه صرفا فراهم آوردن محصولی کشاورزی باشد، عملی آیینی بوده؛ و انبوه باورها درباره آن و انبوه آیین ها درباره کشت آن و داشت و برداشتش هم، از همین رهگذر شکل گرفته است؛ رقص آفر، فقط یکی از آن هاست.

کشاورزها، در شرق خراسان، آیینی برای برداشت گندم دارند؛ آن ها در قالب این آیین، از زمین و از خورشید برای آنکه گندم را به آن ها ارزانی داشته سپاسگزاری می‌کنند. رقص آفر، در حقیقت ستایش به درگاه خداست.

حیف نیست که کشت گندم با این پیشینه، کم رنگ بشود؟ حیف نیست که روستاییان، همنشینان آب و آفتاب و زمین، از داشتن گندم، گندمی که در خاک خودشان به عمل آمده محروم بمانند؟ کدام سیاست‌گذاری نادرست، روستاییان را برای داشتن نان، به نانوایی، به شبکه توزیع آرد، وابسته کرده است؟ حیف نیست که روستاها، که در تاریخ و جامعه مولد بوده اند، حتی برای داشتن نان، به جرگه مصرف‌کنندگان درآمده باشند؟ چرا این وابستگی، کسی را نگران نمی‌کند؟

به کشت گندم، برگردیم. دشت توس، دشت حاصلخیز خوشه های گندم بوده است. حیف نیست که عطر نان و بوی دود تنور، از روستاهای دشت توس رخت بربندد؟

گرام گردی

تنها دریاچه آب شیرین در ۱۰ کیلومتری خلیج فارس سیراب شد

حال خوب «حله»

میان خبرهای جنگ و اتفاقات ناشی از آن، خبرهای حال خوب کن و شیرین هم کم نیست. مثلا همین که حال دریاچه ارومیه پس از سال ها خوب شد و بارش باران در جای جای کشور به قدری بود که تالاب ها و چشمه ها و دریاچه ها زنده و پرآب شدند. یکی از تالاب هایی که این روزها به طور کامل پس از ۲۰ سال پرآب شده، «حله» است. این تالاب ۲۰ هزار هکتاری، ۱۰ کیلومتری خلیج فارس در بوشهر، تنها تالاب آب شیرین طبیعی منطقه است.

کارتون شهر

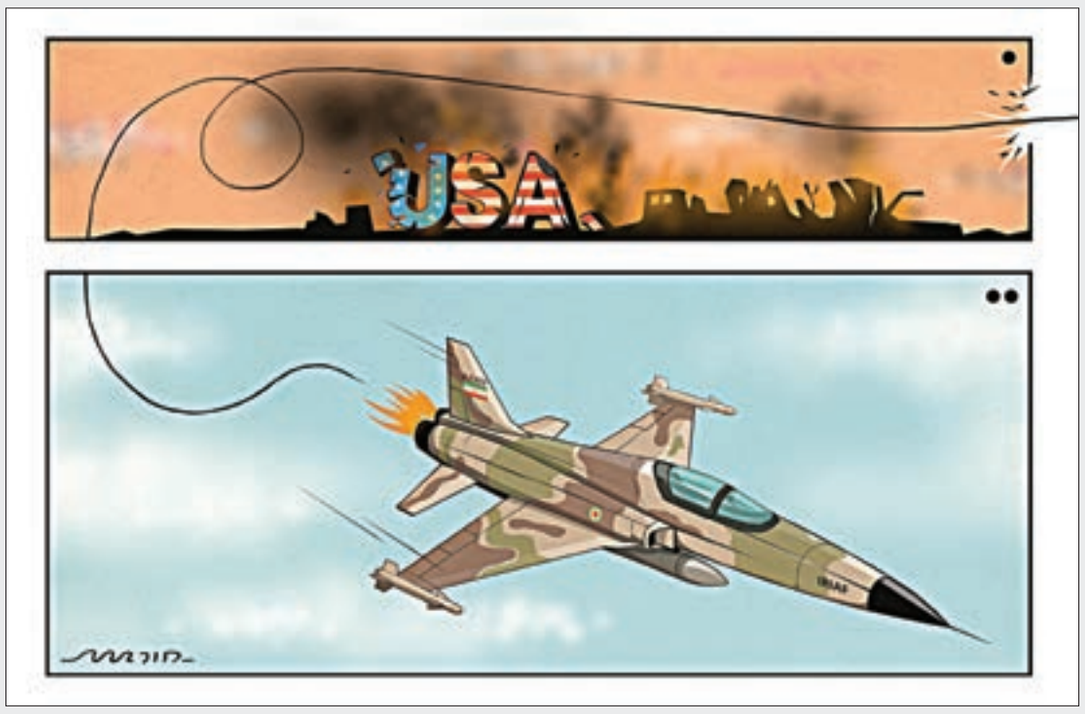

مجید ادیبی

تقدیم به همه خلبانان شجاع ایران که با اتکا به دانش بومی، شگفتانه‌ای بزرگ خلق کردند. بسیاری از رسانه‌های جهان، همچنان از ابعاد مختلف عملیات جنگنده‌های ایران علیه مواضع دشمن آمریکایی می‌گویند.